

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
تلفن ۰۰۴۹۱۶۳۵۱۱۲۰۲۵
E_mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدالکپریان
تلفن ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰
E_mail: abdolgolparian@yahoo.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ فروردین ۱۳۸۸، ۸ آپریل ۲۰۰۹ چهارشنبه ها منتشر میشود

Iskraa_nkk@yahoo.com

منصور حکمت
www.m-hekmat.com

سر دبیر: منصور فرزاد - عبدالکپریان



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

ایسکرا ۴۶۱



محمد آسنگران

طرح خلع سلاح احزاب ناسیونالیست کرد

در کنفرانس هولیر

(اربیل)

مصاحبه با محمد آسنگران

واکنش های مختلفی روبرو شده است. چه کسی این کنفرانس را فراخوان داده وهدف از برگزاری آن چیست؟

آسنگران: اینکه چه کسی این کنفرانس را فراخوان داده و یا چه کسی دعوت به این کنفرانس

ایسکرا: قرار است که کنفرانسی تحت عنوان "کنفرانس ملی کرد" به منظور "حل مسالمت آمیز مسئله کرد" در "هولیر" مرکز کردستان عراق برگزار گردد. احزاب و سازمانهای ناسیونالیست کرد از عراق، ترکیه، ایران و سوریه برای شرکت در این کنفرانس دعوت شده اند. انتشار خبر برگزاری این کنفرانس با

صفحه ۳

در صفحات دیگر:

دادگاه انقلاب سنندج طیب ملایی را به یکسال حبس تعزیری با ۵ سال تعلیق محکوم کرد

صفحه ۲

کارگران پاریس از فردا صبح بر سر کارهایشان باز خواهند گشت

صفحه ۲

اعتصاب دانش آموزان هنرستان کار و دانش گشکی

صفحه ۶

گزارشی از سیزده بدر در شهرهای کردستان

صفحه ۶

خودکشی يك پدر در بوکان

صفحه ۶

بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر

برای خلع ید از برده داران به میدان بیایید!

اشک آور و باتوم و پلیس و زندان و دادگاه و مسجد و کلیسا و پارلمان و سیاستمداران و دروغگویان حرفه ای شان را سراغ ما میفرستند. زرادخانه ای که بر دوش ما ساخته اند و هزینه های آن به تنهایی برای چند بار ریشه کن کردن گرسنگی، بیماریهای واگیردار، بیسوادی، اعتیاد و فحشاء و جلوگیری از نابودی محیط زیست در جهان کافی است.

صفحه ۲

میخواهند تا ضرر و زیان بانکها و غول های برده داری جهانی را بپردازیم تا دوباره نرخ سود بالا برود و تولید از سر گرفته شود. به ما میگویند بدون استشارگران و بدون موسسات و دولت های آنها، بدون دزدی ها و ریخت و پاش های آنها و بدون جنگ ها و جدال های آنها ما نابود خواهیم شد! آنها بدون هیچ شرم و حیاسی همین را دارند میگویند. اگر قبول نکنیم و صدایمان درآید زراد خانه ای از گاز

روز جهانی کارگر در حالی فرا میرسد که هیولای سرمایه و بحرانش دنیا را به کام خود کشیده است. به ما میگویند کمتر مصرف کنید، کمربندها را سفت کنید، زیاد شلوع نکنید، فرصت بدهید تا اقتصاد را راه بیندازیم. گویی بحران و فقر و فلاکت و بیکاری و بی حقوقی را کسی جز بورژوازی و دولت هایش به ما تحمیل کرده است. به ما قول وضع مقررات جدید در بازار بورس را میدهند و در عوض از ما



منصور فرزاد

به یاد کمون پاریس

اهتزاز پرچم سرخ بر فراز شهرداری تمام مردم را به خیابانها کشانده بود. همه چیز دوست داشتنی بود، شهر رنگ و روی دیگری داشت و صدای خنده و آواز مردم پاریس را زیبا نموده بود. هزاران نفر همراه با نیروهای مسلح گارد ملی خود را به تالار شهرداری رساندند تا شاهد اعلام آزادی پاریس از طرف کمیته مرکزی گارد ملی باشند. اما اشراف و اعیان محلات زیبای شهر، با شتاب و توسل به هر وسیله ای سعی داشتند که از

روز ۱۹ مارس ۱۸۷۱، هنگامیکه پاریس در محاصره نظامی پروس قرار داشت، هزاران نفر از کارگران همراه افراد گارد ملی و بقیه افسار محروم پاریس به خیابانها ریختند. بعد از ماهها گرسنگی و فشار جنگ فرانسه و پروس و محاصره طولانی مدت پاریس، مردم با رقص و پایکوبی در کوچه و خیابانها ظاهر شدند و پیروزی خود را جشن گرفتند. کمیته مرکزی گارد ملی در تالار شهرداری مستقر شده بود و حکومت کمون را اعلام کرد.

صفحه ۵

دادگاه انقلاب سنندج طیب ملایی را به یکسال حبس تعزیری با ۵ سال تعلیق محکوم کرد

صدور این حکم در صدد ایجاد فضای رعب و وحشت در میان کارگران برای جلوگیری از روز جهانی کارگر است. باید در مقابل این سیاست ایستاد و آنرا خنثی کرد.

کمیته کردستان حزب صدور حکم دادگاه انقلاب در سنندج بر علیه طیب ملایی و دیگر فعالین و رهبران کارگری را محکوم می کند و از همه کارگران، خانواده های کارگری و مردم مبارز شهر سنندج می خواهد که بطور متحد و یکپارچه به احکام صادره علیه طیب و دیگر رهبران کارگری اعتراض کنند و از هم اکنون با آمادگی کامل و با سازمان دادن و تدارک هرچه گسترده تر به استقبال اول مه روز جهانی کارگر بروند. حضور وسیع و متحدانه ما در برپایی هر چه باشکوه تر برگزار کردن اول مه و اعتراض و مبارزه کارگران و کل جامعه علیه این احکام ضد کارگری، می تواند نهادهای رژیم را وادار به عقب نشینی کند.

کمیته کردستان حزب
کمونیست کارگری ایران
۱۷ فروردین ۱۳۸۸
۶ آوریل ۲۰۰۹

بنا به خبر منتشره از طرف اتحادیه آزاد کارگران ایران، دادگاه انقلاب سنندج طیب ملایی عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران را به اتهام تبلیغ علیه نظام از طریق کمک به برپایی مجمع عمومی کارگران و ارتباط با گروههای مخالف نظام به یکسال حبس تعزیری با ۵ سال تعلیق محکوم کرد. طیب ملایی یکی از اعضای جوان هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران است که در مراسم اول مه سال ۸۶ سنندج به همراه ۱۳ کارگر دیگر دستگیر شد و جزو یازده کارگری بود که محکوم به زندان و شلاق شدند.

یکی از اتهامات واهی که جمهوری اسلامی طیب ملایی و دیگر فعالین کارگری را بدان متهم میکند همکاری و ارتباط با گروههای مخالف نظام است اما هدف نهادهای حکومت از دستگیری فعالین کارگری برای سرپوش گذاشتن بر اعمال ضد کارگری خود و ارباب کارگران برای وادار شدن به عقب نشینی و دست شستن از مبارزه برحق آنان است. دست حکومت برای کارگران رو شده و این سیاست تماما به شکست انجامیده است و ارباب در هر شکل آن نقشی ندارد. نهادهای ضد کارگری حکومت در سنندج، با

از رژیم آیت الله های میلیاردر و عزم و اراده خود برای به زیر کشیدن حکومت اسلامی ضد زن، ضد شادی و ضد آزادی را به نمایش بگذارند. حزب کمونیست کارگری در پیشاپیش طبقه کارگر و مردم آزاده میکوشد تا روز جهانی کارگر را چه در ایران و چه در جهان به روزی برای پیشروی هرچه بیشتر صف آزادی و برابری، صف رفاه و شادی و سوسیالیسم، به روزی برای افشا و انزوی هرچه بیشتر جمهوری اسلامی و فراهم کردن مقدمات سرنگونی آن به نیروی انقلابی کارگران و مردم تبدیل کند.

زنده باد اول مه روز جهانی کارگر
زنده باد همبستگی کارگران سراسر جهان
مرگ بر سرمایه داری، مرگ

بر جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری
حزب کمونیست کارگری ایران
۲ آوریل ۲۰۰۹
۱۳ فروردین ۱۳۸۸

بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر

از صفحه ۱

سرمایه داری باید برود. سوسیالیسم تنها پاسخ واقعی به معضلات جهان است. این را دیگر خیلی ها میگویند. اما اولین گام در سوسیالیسم خلع ید سیاسی از بورژوازی و بدست گرفتن قدرت سیاسی و اختیار جامعه توسط کارگران و مردمی است که نفعی در بردگی و استثمار ندارند. لذا مضمون اصلی روز جهانی کارگر امسال عبارت است از ایجاد آمادگی برای دخالت همه کارگران و مردم محروم در سرنوشت سیاسی جامعه و مبارزه برای خلع ید سیاسی از بورژوازی و همه دزدها و شارلاتانها و عوامفریبانی که وضع فعلی را بوجود آورده اند.

در ایران جایی که رژیم اسلامی سرمایه در یک بحران همه جانبه و مزمن اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بسر می برد، هرگونه بهبود جدی و پایدار به نفع مردم بطور عینی در گرو به زیر کشیدن رژیم حاکم بورژوازی و برقراری یک جمهوری سوسیالیستی است. اول ماه مه (برابر با یازده اردیبهشت) فرصتی است تا کارگران و همه مردمی که از جمهوری اسلامی به جان آمده اند، بیژاری خود

تا وقتی آنها قدرت سیاسی را دارند و برای جهان تصمیم میگیرند وضع کمابیش همینطور خواهد بود. اگر جهان را در جنگ ها و رقابت هایشان به آتش نکشند، در بهترین حالت، با تحمیل فقر و فلاکتی بی سابقه به ما بحران شان را از سر خواهند گذراند. ممکن است از ترس اعتراض ما اینجا و آنجا به رفرم هایی تن دهند، اما جهنم بردگی مزدی و حاکمیت سرمایه و سود و بازار و بحران و بازهم بحران همچنان ادامه خواهد یافت. اول ماه مه روزی است تا در صفی جهانی به این معضل پاسخ دهیم و پاسخ در وهله اول سیاسی است. باید برای خلع ید سیاسی از برده داران و بدست گرفتن سرنوشت خود به میدان بیاییم. همه خواست های سنتی در اول مه از کاهش ساعت کار تا بیمه بیکاری و تامین بهداشت و دستمزد شایسته زندگی انسانی تا آزادی تشکل و اعتصاب و آزادی های سیاسی همه برای ما حیاتی است، اما اول مه امسال بر سر مسائل بنیادی تری است. بر سر تعیین تکلیف با نفس حاکمیت سرمایه داری و بردگی مزدی و دولتهای آن بر جهان است.

کارگران پریس از فردا صبح بر سر کارهایشان باز خواهند گشت

موفقیت تائیدی کارگران پریس را حاصل تشکل و اتحاد و همبستگی آنان و اتکاء شان به تصمیم گیری مداوم در مجمع عمومی میدانند و این موفقیت را تجربه ای بسیار ارزنده در مبارزات چند سال گذشته کارگران ایران ارزیابی میکنند و ضمن فراخواندن کارگران پریس به حفظ بیش از پیش اتحاد و هوشیاری، بار دیگر بازگشت بکار آنان با حذف قید موقت از قرار دادهایشان را صمیمانه به یکایک این دوستان تبریک میگوید.

اتحادیه آزاد کارگران ایران
شانزدهم فروردین ماه ۸۸

بنا بر گزارش کارفرمای پریس علیرغم تن دادن به شروع کار توسط کارگران، تلاش دارد از پرداخت دستمزد ۶ ماهه ایام تعلیق- آنان طفره برد. به همین دلیل کارگران پریس دیروز با حضور در اداره کار سنندج دادخواستی را مبنی بر خواست دستمزدهای ایام بلاتکلیفی تسلیم این اداره کردند و قرار شد تا ۲۲ فروردین- ماه هیئت تشخیص اداره کار سنندج دستمزدهای ایام تعلیقی کارگران پریس را محاسبه کرده و آنرا اعلام نماید. اتحادیه آزاد کارگران ایران

در همین حال مامورین انتظامی نیز به دلیل اعتراض مدیر کارخانه به ورود کارگران به محوطه کارخانه، در محل حاضر شدند اما با دیدن رای دیوان عدالت و مامور اجرای احکام از محل رفتند.

به این ترتیب و پس از ابلاغ رای از سوی مامور دادگاه اجرای احکام، مدیر کارخانه اعلام داشت کارگران از فردا صبح طبق معمول همیشه میتوانند به کارخانه بیایند اما آماده سازی دستگاهها و سالن تولید چند روز طول خواهد کشید.

شدند و نهایتا امروز یکشنبه ۱۶ فروردین ماه ساعت ده صبح دادگاه اجرای احکام سنندج مامور اجرای رای را عازم کارخانه پریس کرد و کارگران به همراه مامور اجرای رای وارد کارخانه شدند. اما مدیر کارخانه سعی در طفره رفتن از اجرای رای کرد و اعلام داشت کارگران باید با امضای قرار داد موقت مشغول کار شوند. اما کارگران اعلام داشتند طبق رای صادره که از سوی دیوان عدالت نیز تائید شده است قید موقت از شاغل بودن ما در کارخانه پریس حذف شده است و ما آماده کار هستیم.

پس از هفت ماه کشمکش کارگران پریس با کارفرما و مبارزات پیگیر و متحدانه آنان، این کارگران از فردا صبح بر سر کارهایشان باز خواهند گشت.

بنا بر گزارشهای دریافتی توسط اتحادیه آزاد کارگران ایران بدنبال تائید رای هیئت حل اختلاف اداره کار سنندج توسط دیوان عدالت و لغو توقیف رای هیئت حل اختلاف از سوی این دیوان، صبح دیروز کارگران پریس به دادگاه اجرای احکام در سنندج مراجعه کرده و خواهان اجرای رای هیئت حل اختلاف اداره کار سنندج

طرح خلع سلاح ...

از صفحه ۱

نموده، اهمیت تعیین کننده ای ندارد. آنچه مهم است اهداف این کنفرانس و سیاستهایی است که در پس آن تعقیب میشود. گویا "حزب جامعه دمکراتیک کرد" در کردستان ترکیه این پیشنهاد را مطرح کرده است. (گفته میشود این حزب خود را متحد پ.ک.ک میداند. این حزب در آخرین انتخابات شهرداریها در ترکیه بیش از ۸۰ شهرداری را در شهرهای کوچک و بزرگ کردستان ترکیه از آن خود کرده است.)

اما مجری، فراخوان دهنده و برگزار کننده و میزبان این کنفرانس جلال طالبانی و مسعود بارزانی هستند. هدفی که برای این کنفرانس اعلام کرده اند این است که احزاب اپوزیسیون مسلح کرد منطقه خلع سلاح شوند و از طریق مذاکره و مصالحه با دولت‌های حاکم برای رسیدن به اهدافشان فعالیت کنند. تمرکز این کنفرانس اکنون بر روی خلع سلاح پ.ک.ک است. عبدالله گل رئیس جمهور ترکیه و عبدالله اوچلان رهبر پ.ک.ک هر دو از برگزاری این کنفرانس استقبال کرده اند.

روزنامه ایشام اعلام کرد "امریکا از پ.ک.ک خواسته است سلاحهای خود را بر زمین گذاشته و از قانون عفو بهره مند شود و جلال طالبانی نیز گفته فکر می کنم این بار پ.ک.ک سلاحهای خود را طبق توافق بعمل آمده به آمریکا تحویل دهد". سایت خبری آینده نوشت: وزارت امور خارجه ترکیه حمایت مشروط ترکیه از کنفرانس کردی که قرار است در ماه اوریل در مورد پ.ک.ک در هه ولیر برگزار شود اعلام کرده است.

آینده می گوید: بنظر کارشناسان مسائل کردی سیاست جدید امریکا بر این مبنا است که مسئله جنگ مسلحانه پ.ک.ک را با ترکیه به شکلی که تشکیلات پ.ک.ک کلا از بین نرود حل نماید

و یکی از گزینه های توافق شده این است یک سری افراد سلاحها را به زمین گذاشته و خود را تسلیم ترکیه نمایند و بقیه افراد نیز در قالب جدید یعنی مبارزه علیه القاعده و انصار الاسلام تحت حمایت امریکا سازماندهی شوند. چاویر (سایت خبری نزدیک به جلال طالبانی) نوشته است: احمد دیز سخنگوی پ.ک.ک گفته است سفر گل به عراق تنها برای هماهنگی در نابودی پ.ک.ک و پاک کردن مسئله کرده بوده است. او همچنین گفته است: بدون ضمانت وحل مسایل، ما اسلحه هایمان را بر زمین نخواهیم گذاشت".

طبعا جمهوری اسلامی و دولت سوریه هم برگزاری چنین کنفرانسی را به نفع خود میدانند. تا کنون رسانه های ترکیه بیشتر به این کنفرانس و اهداف مورد نظر آن پرداخته اند. در عراق هم طالبانی اعلام کرده است که احتمالا پ.ک.ک در مقابل تضمین هایی حاضر است اسلحه هایش را تحویل ارتش امریکا بدهد. سخنگوی پ.ک.ک هم اعلام کرده است که بدون تضمین اسلحه هایشان را زمین نمیگذارند. بنابر این سخنگوی پ.ک.ک دارد میگوید که حاضر است در چهار چوب سیاستهای امریکا و ضمانت این دولت به خلع سلاح تن بدهد. هدف این کنفرانس با الفاظ مختلفی بیان شده است اما در هر حال خلع سلاح احزاب اپوزیسیون کرد هدف اصلی آن است.

ایسکرا: شما گفتید تمرکز این کنفرانس اکنون بر روی خلع سلاح پ.ک.ک است. آیا این به این معنی است که در مورد احزاب مسلح کرد در کردستان ایران تصمیمی اتخاذ نمیشود؟

آسنگران: ببینید این سیاستی عمومی است که دولت امریکا از طریق احزاب حاکم در کردستان عراق تعقیب میکند. سیاستی است که شامل همه احزاب کشورهای همجوار و مستقر در عراق میشود. این سیاست ادامه

همان سیاست است که در مورد مجاهدین خلق به کار گرفتند. مجاهدین خلق را هم ابتدا خلع سلاح کردند. اکنون با معاملات پشت پرده بین جمهوری اسلامی و حکام عراق، همه آنها را برای تحویل دادن به جمهوری اسلامی و یا برای خروج از عراق تحت فشار قرار داده اند. این معاملات البته با اطلاع امریکا پیش رفته است. هر چقدر هم رهبری مجاهدین خود را به نادانی بزند باز هم در سیاستی که علیه افراد اسیر در کمپ اشرف بکار گرفته شده است شریک است. همین مجاهدین سالها در سالن انتظار استفاده امریکا از نیروهایش نشسته بود. اما به جای استفاده از نیروی این سازمان در خدمت سیاستهای امریکا نوبت به مصالحه امریکا و جمهوری اسلامی رسید. این تراژدی که اکنون در انتظار مجاهدین است بخشی از آن نتیجه سیاستهای خود این سازمان است. اما بخش دیگر این سیاست که مربوط به سیاست دولت عراق و احزاب حاکم در کردستان عراق است، یعنی معامله کردن با سرنوشت این احزاب يك سیاست عمومی است و میتواند فردا به نوع دیگری و با شدت احتمالا کمتری در انتظار همین احزاب مستقر در کردستان عراق هم باشد.

بعد از خلع سلاح این احزاب همان فشاری که به مجاهدین وارد کرده اند به نوعی علیه این احزاب هم بکار گرفته میشود. حال ممکن است شکل و نوع آن و یا شدت و ضعف آن متفاوت باشد. اما سیاست و اهدافی که بوسیله دولت‌ها و احزاب مجری این سیاست تعقیب میشود یکی است. معامله با سرنوشت این احزاب. دولت امریکا در اواخر دوران صدارت بوش این سیاست را در پیش گرفت و اکنون بوسیله اوپاما با شدت بیشتری ادامه داده میشود. دولت امریکا میخواهد موانع مذاکره و مصالحه با جمهوری اسلامی را برطرف کند و با دولت ترکیه به عنوان یکی از متحدین خود برای حل معضل

پ.ک.ک همکاری نزدیکی انجام میدهد. دولت امریکا تلاش میکند که موانع سر راه ورود ترکیه به اتحادیه اروپا را برطرف کند و از متحدین اروپائیش خواسته است هر چه زودتر ترکیه را به درون خود راه بدهند. احزاب حاکم در کردستان عراق هم در راستای سیاستهای امریکا این سیاست خلع سلاح احزاب اپوزیسیون ترکیه و ایران را به نفع خود میدانند. تلاش میکنند از احزاب مسلح و اپوزیسیون کرد به عنوان برگه ای برای معامله استفاده کنند و سعی میکنند دل دولتهای همسایه بویژه ترکیه و جمهوری اسلامی را به دست بیاورند.

اما اگر این میباحث فعلا بر روی پ.ک.ک متمرکز شده است به این دلیل است که دیگر احزاب مسلح از جمله احزاب مسلح کرد در کردستان ایران فعالیت نظامی انجام نمیدهد. از ابتدای دهه ۹۰ میلادی احزابی مانند حزب دمکرات کردستان ایران و کومله خودشان در هماهنگی با احزاب حاکم کردستان عراق از فعالیت نظامی در کردستان ایران چشم پوشی کرده و در اردوگاههایشان مستقر هستند. در ضمن برای خلع سلاح این احزاب مشکل جدی ندارند. مشکلمان با پ.ک.ک است. زیرا محل استقرار پ.ک.ک در منطقه تحت سلطه احزاب حاکم در کردستان عراق نیست. پ.ک.ک در منطقه ای به اسم کوههای قندیل و مناطق مرزی بین مرز کشورهای ایران عراق و ترکیه مستقر است. در ضمن معاملات و هماهنگی احزاب حاکم در کردستان عراق با جمهوری اسلامی همیشه وجود داشته و با مشکل خاصی مواجه نبوده است.

مشکل طالبانی و بارزانی موانعی است که بر سر روابطشان با دولت ترکیه وجود دارد. خلع سلاح پ.ک.ک قرار است این موانع را برطرف کند. ترکیه هم به چنین راه حلی محتاج است زیرا از يك طرف متحدین اروپائیش او را تحت فشار گذاشته اند که مسله

کرد در کردستان ترکیه را به شکل "معقولی" حل کند. در غیر این صورت نمیتواند به جرگه کشورهای اروپای متحده وارد شود و از طرف دیگر از دهه ۸۰ میلادی با يك جنگ مسلحانه بی سرانجام درگیر است و میخواهد آنرا تمام کند.

طبق گزارشات منتشر شده هم اکنون يك هیئت از سازمان جاسوسی "سی. آی. ا." در کردستان عراق مشغول تدارک و آماده سازی این کنفرانس هستند. این هیئت در کوههای قندیل با رهبران پ.ک.ک ملاقات کرده و به آنها قول داده اند که اگر خلع سلاح را بپذیرند ممکن است عبدالله اوچلان هم از زندان آزاد شود. در ضمن قبلا یکی از مقامات آمریکایی (دافیدل. فیلیپس) از این خبر داده بود که در مقابل خلع سلاح پ.ک.ک کشورهای اروپایی باید ۱۳۴ نفر از مسئولین این حزب را به عنوان پناهنده بپذیرند. و بقیه افراد این حزب خود را تحویل دولت ترکیه بدهند. در ضمن بطور هماهنگ و همزمان يك هیئت از طرف دولت امریکا در ترکیه مستقر شده و از طریق سفارت این کشور راههای اجرایی این طرح را با دولت ترکیه بررسی میکنند. گفته میشود دولت امریکا و احزاب حاکم در کردستان عراق به این توافق رسیده اند که بخشی از نیروهای مسلح پ.ک.ک را تحت فرماندهی ارتش امریکا در کوههای قندیل حفظ کنند تا مانع حضور جریانات اسلامی مسلح در این کوهها بشوند.

ایسکرا: آیا این کنفرانس به سیاست جدید اوپاما و کلا سیاست خارجی امریکا در رابطه با خاورمیانه و بویژه عراق ربط دارد ؟

آسنگران: طبعا ربط دارد. برگزاری این کنفرانس و تعقیب اهداف مورد نظر دولتهای درگیر و احزاب حاکم کردستان عراق در این کنفرانس تماما در چهار چوب سیاستهای خارجی دولت امریکا قرار دارد. امریکا با اجرای این سیاست هم میخواهد دل جمهوری اسلامی را

طرح خلع سلاح ...

به دست بیاورد و هم روابطش را با ترکیه محکمتر کند. زیرا قبلا آمریکا سعی میکرد پ.ك.ك و پژاک را علیه جمهوری اسلامی تقویت کند. تقویت آنها غیر مستقیم علیه منافع دولت ترکیه هم بود. با فشار ترکیه علیه آمریکا بوش عقب نشست و همکاری با دولت ترکیه علیه پ.ك.ك به سیاست رسمی دولت آمریکا تبدیل شد. در همین مقطع بود که اوچلان از زندان طی مصاحبه ای اعلام کرد که اگر آمریکا علیه ما اقدام کند برای پ.ك.ك راهی بجز همکاری با "دولت شیعه در ایران نیماند" اما همان دولت شیعه مورد نظر اوچلان اکنون جناحهای مختلفش دست و پای همدیگر را لگد میکنند تا "افتحار" مذاکره با آمریکا را به اسم خود ثبت کنند. دوره تقابلی آمریکا و جمهوری اسلامی که اوچلان میخواست از شکاف آنها کلاهی برای خود بدزد، فعلا و تا اطلاع ثانوی به دوره مذاکره و مصالحه تغییر یافته است.

در ضمن لازم به یاد آوری است که رقابت احزاب اسلامی و ناسیونالیستی عرب با احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق به ضرر طالبانی و بارزانی پیش میرود و در چنین شرایطی از این معاملات استقبال میکنند. این اقدامات قرار است دوستی احزاب حاکم در کردستان عراق را با جمهوری اسلامی و ترکیه تحکیم ببخشد که از فشار آنها مصون بمانند. طالبانی و بارزانی فکر میکنند با این معامله فشار دولت ترکیه و جمهوری اسلامی را علیه خود خنثی میکنند تا بتوانند در مقابل رقبای بغداد خود با امکانات بیشتری وارد رقابت بشوند. ادامه این روند امروز به اینجا رسیده است که میخواهند از راه "مصالحه" پ.ك.ك را خلع سلاح کنند. آمریکا و احزاب حاکم در کردستان عراق به این نتیجه رسیده اند که برای مصالحه با دولتهای جمهوری اسلامی، ترکیه

و سوریه احزاب مسلح اپوزیسیون آنها را، قربانی و مورد معامله قرار بدهند.

این تحولات در عین حال بیش از پیش بی افقی و گنبدیدگی ناسیونالیسم کرد و ضدیت این جنبش و احزابش را با امیال و آرمانهای مردم عیان میکند. در این معامله علاوه بر دولتها، ما دو جناح و یا دو جبهه از احزاب ناسیونالیست کرد را میبینیم که منهای کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران که جنس آن با اینها متفاوت است. بقیه همگی از يك جنبش و يك سنت با اهدافی مشابه هستند. جنبش ناسیونالیسم کرد. همچنانکه قابل مشاهده است از هر دو سو به ته خط رسیده و با این اعمالشان حتی مثل گذشته خود را محتاج توجیه سیاستهای خود برای مردم نمیبینند. یکی آشکارا در رکاب آمریکا دارد "برادران" خود را معامله میکند و دیگری در مقابل حاضر است هر خفت و خواری را بپذیرد. همه این کثافت کاریها را هم تحت لوای تلاش برای رسیدن به "حقوق ملی کرد" و حل "مسئله کرد" انجام میدهند.

ایسکرا: آیا پ.ك.ك و مقامات ترکیه و عراق در کنفرانس شرکت خواهند کرد؟ مواضع آنها چیست؟

آسنگران: شرکت کنندگان این کنفرانس هنوز رسماً اعلام نشده اند. آنچه معلوم است احزاب "کرد" به این کنفرانس دعوت شده اند. اینکه پ.ك.ك و دولت ترکیه و عراق در این کنفرانس شرکت میکنند یا نه بستگی به این دارد که معاملات و مصالحه قبل از کنفرانس به کجا ختم شده باشد. در صورت برگزاری مقامات دولت عراق در هر حال در این کنفرانس شرکت میکنند. زیرا میزبانان اصلی این کنفرانس جلال طالبانی و بارزانی هستند.

ایسکرا: طبق اخبار منتشر شده یکی از اهداف این کنفرانس خلع سلاح نیروهای مسلح در آن

منطقه است و برخی از رهبران هر دو شاخه حزب دمکرات کردستان ایران خلع سلاح را به خودکشی تشبیه کرده اند و اظهار داشته اند که تن به خلع سلاح نمیدهند. بنظر شما این کنفرانس به چه نتایجی خواهد رسید؟

آسنگران: هر دو حزب دمکرات کردستان ایران و کردستان ناراضیاتی خود را نسبت به اهداف این کنفرانس به منظور خلع سلاح خود اعلام کرده اند. اما هر دو غیرمستقیم اعلام کرده اند از وجود چنین کنفرانسهایی برای "حل مسئله کرد" استقبال میکنند. احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان ایران سالها است که جنگ نظامی با جمهوری اسلامی را به درخواست احزاب حاکم کردستان عراق خاتمه داده اند. آنها فقط در اردوگاههای خود مسلح هستند. طبیعی است که با ادامه روند فعلی و مناسبات احزاب حاکم بر کردستان عراق با دولتهای منطقه، به مرور ممکن است این امکانات را هم محدود کنند و اجازه مسلح ماندن در اردوگاه هایشان را به آنها ندهند. قبلا حزب دمکرات کردستان ایران در پلنوم خود تصمیم گرفته بود که آماده مذاکره با جمهوری اسلامی است. مدتی قبل خبر مذاکره این حزب و سازمان زحمتکششان با جمهوری اسلامی پخش شد. همه اینها نشان از يك روند دیگر است که احزاب ناسیونالیست کرد به دنبال شکست نئوکنسرواتیبوها در آمریکا و کنار گذاشتن سیاستهای رژیم چنجی آمریکا علیه جمهوری اسلامی، این احزاب هم هماهنگ با سیاستهای آمریکا به سیاست مذاکره و سازش با جمهوری اسلامی روی آورده اند. این روندی است که پ.ك.ك در مورد ترکیه همیشه خواهانش بوده است. اما دولت ترکیه حاضر به مذاکره و مصالحه با آنها نبود. اکنون با پیش شرط خلع سلاح پ.ك.ك، ترکیه هم ظاهراً این راه را پذیرفته است.

به نظر من تنها فاکتوری که در شرایط فعلی بتواند این معادلات را به هم بریزد و فصل جدیدی در منطقه باز کند تحولات ایران است. اگر در ایران به این زودی

تحولی رخ ندهد و فاکتورهای منطقه ای همینها باشند که فعلاً در جریان هستند همه این احزاب به خلع سلاح خود تن میدهند.

ایسکرا: تحولاتی که در منطقه باعث شده است این سیاست دنبال شود کدامها هستند؟

آسنگران: این بحث مفصلی است اما سعی میکنم اختصاراً به سرخطهای این تحولات اشاره کنم. بعد از شکست آمریکا در عراق و به بن بست رسیدن سیاستهای نظم نوینی تحت عنوان "خاورمیانه بزرگ" و تغییراتی که آمریکا به دنبال آن بود، سیاستهای آمریکا دچار تحولاتی جدی شد. در داخل آمریکا نئوکنسرواتیبوها شکست خوردند. پروژه رژیم چنج آمریکا در قبال جمهوری اسلامی فعلاً کنار گذاشته شده است. "راه حل" مذاکره و مصالحه به جای "راه حل جنگ و تهدید نظامی" نشسته و مشغول نتایج آن هستند. "محورهای شرارت" ظاهراً به "دولتهای دارای منافع مشترک با آمریکا" تبدیل شده اند. از قرار معلوم دشمنان آمریکا و "دمکراسی" به دوستان بالقوه آمریکا تبدیل شده اند.؟! در نتیجه این تحولات بود که آمریکا رسماً پذیرفت که نیروهای نظامی تا سال ۲۰۱۱ از عراق خارج شوند. پروسه مذاکره با سوریه و کره شمالی و جمهوری اسلامی پی گرفته شد و به انتظار نتایج آن هستند. شاخ و شانه کشیدن برای "اروپای کهنه" جای خود را به "همکاری نزدیک با اروپای مدرن و هم پیمان" داد. تقویت و حمایت بی چون چرا از اسرائیل جای خود را به سیاست انتقادی نسبت به این دولت متحد آمریکا داده است. تقویت احزاب قومپرست حاشیه ای در مناطقی از ایران که در خدمت سیاست رژیم چنج آمریکا بودند، جای خود را رها کردن افسار آنها و یا تحت فشار گذاشتن آنها در خدمت مذاکره و مصالحه با جمهوری اسلامی داد. تقویت و امید به احزاب راست ناسیونالیست پرو غرب و جریانات قومپرست از جانب آمریکا، فعلاً

پایان پذیرفته و فاصله گرفتن از آنها به نفع هموار کردن راه مذاکره با جمهوری اسلامی دنبال میشود. "ملی" هولیر دنبال میشود. آمریکا با هر دو تکتیک و سیاستی که در بالا به آنها اشاره شد در دورههای مورد نظر به دنبال يك استراتژی واحد بوده و هست. سرکردگی و قدر قدرتی آمریکا. بوش با کلاه کابویی و هفت تیر به دست و اوپاما با چهره آرام و اهل مصالحه هر دو يك استراتژی را با سیاستها و تاکتیکهای متفاوتی دنبال میکنند. تامین منافع بورژوازی آمریکا در مقابل رقبای جهانیان.

در چنین شرایطی که مختصراً به آن اشاره شد احزاب ناسیونالیست حاکم در کردستان عراق هم با موقعیت تازه ای روبرو شده اند. از يك طرف نگران تحکیم موقعیت جمهوری اسلامی و آینده مناسبات خود با او هستند و از طرف دیگر فشارهای پی در پی دولت ترکیه و ورود نیروهای ارتش این کشور به خاک کردستان عراق آنها را ناچار به دادن امتیازات بیشتری کرده است. تنها برگ قابل معامله و امتیاز دادن و حاکم در کردستان عراق وجود همین احزاب ناسیونالیست مسلح مستقر در کردستان عراق هستند. تنها برگ قابل معامله و قابل قبولی که طالبانی و بارزانی میتوانند به جمهوری اسلامی و دولت ترکیه بدهند خلع سلاح و تحت فشار قرار دادن اپوزیسیون مسلح این دولتها است که فعلاً در خاک کردستان عراق مستقر هستند.

ناگفته نماند که این امتیاز دادن و امتیاز گرفتن و این معامله با سرنوشت احزاب "برادر" طول عمر طولانی نخواهد داشت. اتحاد استراتژیک جمهوری اسلامی با جریانات اسلامی در بغداد و منافع مشترک هر دوی آنها با دولت ترکیه با این امتیاز دادنها کم رنگ نخواهد شد. بنابراین موقعیت بحرانی و رو به ضعف

به یاد کمون پاریس از صفحه ۱

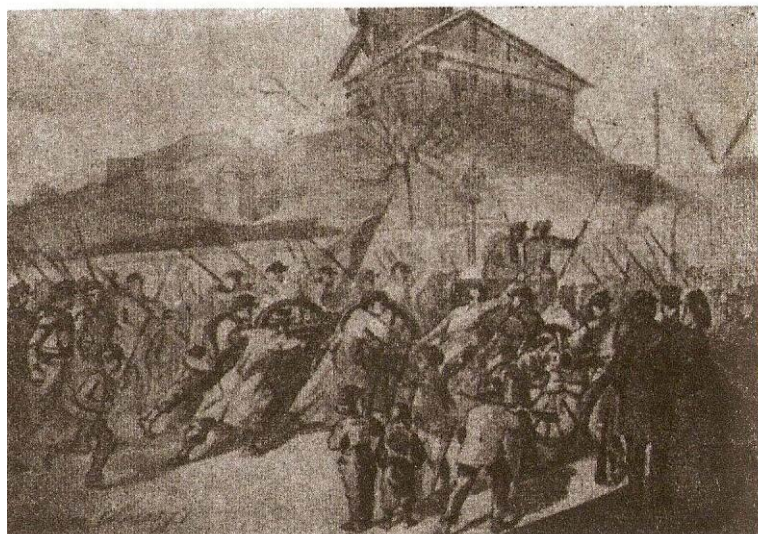
پاریس یوغی را که میخواستند به گردش بیابیزند به دور انداخته است. حکومت نظامی ملغی شده است..... فرانسه و پاریس چنان حکومت جمهوری را پایه گذاری خواهند کرد که برای همیشه به دوران تهاجمات و جنگهای خانگی پایان خواهد داد"

اعلام تشکیل حکومت کمون با امضای بخشی از رهبران کارگران و فرماندهان انقلابی گارد ملی صادر شده بود.

با تشکیل حکومت کارگران در پاریس، زمینداران، بانکداران، سرمایه داران، کشیشان، ژنرالهای ارتش و انگلها به کاخ ورسای در چند کیلومتری پاریس گریختند. سیاستمداران از قدرت عزل شده به همراه ژنرالهای قاتلی چون تییر، سلطنت طلبان و پارلمانتاریستها از همان بدو استقرار در ورسای در صدد به زیر کشیدن حکومت کارگری برآمدند. با همکاری دولتهای همجوار تلاش داشتند که

حکومت جدید را حکومت یک مشت افراد ضدملی، بیگانه پرست، جنایتکار و بی سروپا معرفی کنند. ورسای به کلیه کارمندان و نظامیان پیام داد که با حکومت جدید همکاری نکنند و بعدها با اعدام کموناردها و طرفداران آنها، میخواست که ترس و وحشت دوران خود را دوباره غالب کند. اما در چند کیلومتری ورسای، در پاریس، شور و شوق غریبی حاکم شده بود و کموناردها با تلاش شبانه روزی در صدد برپائی نظامی بودند که که رفاه و آسایش شهروندان را تضمین کند.

کمون در ۲۹ مارس چند فرمان مهم صادر کرد. از آنجائی که نود درصد مردم پاریس که کارگران و بسیاری از خرده بورژواها و حتی بورژواهای متوسط را نیز شامل میشد به علت افساط بدهی خود تهدید به اخراج و حبس میشدند، کمون فرمانی درباره تعویق افساط بدهیهای پرداخت نشده را صادر کرد. همچنین بدهی مستاجران را باطل اعلام کرد و تصریح شده بود که صاحبخانه ها حق



افراد گارد ملی، با کمک مردم، توپخانه خود را پس می گیرند و به مونمارتر برمی گردانند.

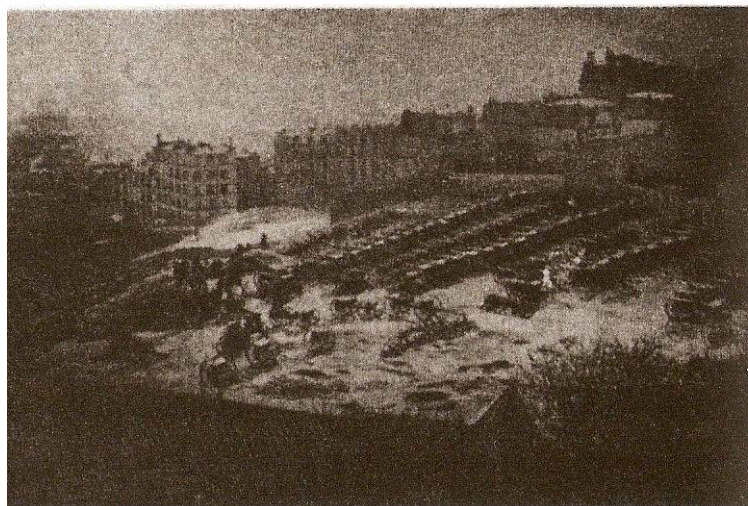
اعضای بین الملل که تحت تاثیر افکار پرودونی بودند قرار گرفت. آنها از مصونیت اموال کلیسا دفاع میکردند. جدا کردن کلیسا از دولت و توقیف اموال آن با اکثریت به تصویب رسید. کارل مارکس در باره این فرمان چنین نوشته است: "همینکه کمون از کار انحلال ارتش دائمی و پلیس، این دو ابزار قدرت مادی دولت سابق، ابزار معنوی سرکوب و اختناق توده ها یعنی "قدرت کشیشان" را نیز درهم بشکنند، کمون فرمان انحلال همه کلیساها و مصادره اموال آنان را در مقیاسی که مالک شمرده میشدند تصویب کرد."

در روز ۶ آوریل، گردان ۱۳۷ گارد ملی مامور یافتن و سوزاندن دستگاه گیوتین شد و آن دستگاه، در غوغای شادمانی عمومی مردم در ملا عام سوزانده شد. در ۲ آوریل، کمون تصمیم گرفت ستون پیروزی میدان واندموم (

خدمات عمومی و روابط خارجی، کارو کمیسیون اجرائی. پیش از آن کمون با صدور فرمانی اعلام کرد که "پلیس منکرات" شرم آور پاریس منحل شده است. در ۳۰ مارس، کمون خدمت اجباری و ارتش دائمی را لغو شده اعلام کرد و مقرر داشت تنها گارد ملی، که هر شهروند سالم می توانست عضو آن باشد یگانه نیروی مسلح پذیرفته شده است. روز بعد فرمانی صادر شد مبنی بر اینکه اعضای منتخب بمنظور اداره امور محلی مسئولیت شهرداریهای بخشهای مختلف شهر رابعهده میگیرند و به آنها اختیار داده شد که کمیسیونهایی را برای حل و فصل مسائل محل انتخاب کنند. کلیه فعالیت دستگاه اداری باید در خدمت و تحت نظارت مردم قرار داشته باشد و میتوان آنها را عزل و نصب کرد. جدا کردن کلیسا از دولت، حذف بودجه مربوط به انجام مراسم مذهبی و توقیف اموال کلیسا مورد مخالفت

ندارند مستاجران را بیرون کنند. اهمیت این فرمان در این بود که مالکیت خصوصی جامعه سرمایه داری که امری مقدس و تغییر ناپذیر جلوه داده می شد را متزلزل می کرد.

در همین روز کمون طرحی برای اداره پاریس تصویب کرد و ده کمیسیون تاسیس گردید از جمله: آموزش و پرورش، دادگستری، ارزاق و خواربار، دارائی، جنگ، امنیت عمومی، صنعت و مبادله



محل استقرار توپخانه گارد ملی در مونمارتر

اعتصاب دانش آموزان هنرستان کار و دانش گشکی

بنا به خبر رسیده روز سه شنبه ۱۸ فروردین ۸۸ دانش آموزان روستای گازرخانه و تیله کو در نارضایتی به پس گرفته شدن سرویس



رفت و برگشتشان از مسیر خانه به مدرسه دست به اعتصاب زدند. آنها از رفتن به سر کلاسهای درس خوداری کردند. این در حالی است که دانش آموزان ۱۲ روستای اطراف در هنرستان کار و دانش روستای گشکی از توابع شهرستان کامیاران در این هنرستان مشغول تحصیل هستند و همگی آنها ناچارند روزانه بیش از ۱۰ کیلو متر از خانه های

آنها قرار نگیرند از رفتن به سر کلاس درس خوداری کنند.

در حالیکه سران و دست اندرکاران ریز و درشت حکومت شب و روز مشغول دزدی و چپاول از اموال جامعه و دست رنج مردم هستند، این دانش آموزان از آن حداقل امکاناتی هم که برای رفت و برگشت برخوردار بوده اند محروم شده اند.

کمیته کردستان حزب از اعتصاب و اعتراض دانش آموزان هنرستان کار و دانش روستای گشکی حمایت می کند و از همه دانش آموزان و معلمان این هنرستان می خواهد که به این اعتراض پیوندند. باید با اعتراض و عدم

خود دور شوند و برای تحصیل به هنرستان گشکی بروند. در چنین وضعیتی است که اداره آموزش و پرورش شهرستان کامیاران از ارائه سرویس رفت و برگشت به آنها خوداری می کند. سال گذشته در اثر بی توجهی های آموزش و پرورش یکی از دانش آموزان مقطع راهنمایی گازرخانه بنام جلال حکم آبادی ۱۳ ساله در مسیر کاشتر- گازرخانه جان خود را از دست داد. دانش آموزان از همه همکلاسی های خود و معلمانشان خواسته اند که به اعتراض آنها پیوندند و تا زمانیکه سرویس رفت و برگشت در اختیار

سیزده بدر در شهرهای کردستان

گزارش از

بیدار - رکسانا - شاد - بهار

این شهرها رفتند. در سنج مردم به دامنه آبیتر و گردشگاههای اطراف، در مریوان در کنار دریاچه زیبا و شهرهای دیگر در گردشگاهها و تفریحگاههای اطراف در جمعهای بزرگ شادی کردند، رقصیدند و با خوردنیهای گوناگون از همدیگر پذیرایی کردند. از سوی دیگر نیروهای انتظامی نیز در تمامی این محلهای تجمع مردم حضور داشتند و فقط نظاره گر

روز سیزده فروردین ۸۸، دهها هزار نفر از مردم شهرهای سنندج، مریوان، کامیاران، سقز، مهاباد، پیرانشهر و همچنین سردشت، ریط، نلاس و میرآباد از توابع سردشت به مناسبت سیزده بدر از خانه هایشان خارج شده و برای برگزاری جشن و شادی به دشت و صحراهای اطراف

شادی و خوشی مردم بودند. حضور مردم بحدی وسیع بود که ترافیک و راهبندان تا آخر شب در مسیر خودروها ادامه داشت.

مردم شهرهای کردستان با حضور گسترده خود سیزده بدر را به چهارشنبه سوری و سال نو وصل کردند و برای بار دیگر سد آپارتاید جنسی را درهم شکستند. زنان و مردان، جوانان دختر و پسر در جمعهای بزرگ و دست در دست هم به رقص و شادی پرداختند. حضور چشمگیر مردم بار دیگر ماموران

حکومتی را زمین گیر کرد و این بار هم ناتوان از ایجاد جو رعب و وحشت فقط نظاره گر شادی و نشاط مردم بودند. این تجمعات شورانگیز مردم، رفتن به استقبال شادی و شکستن دیوار آپارتاید جنسی است که سران حکومت اسلامی و نیروهایش از آن وحشت دارند.

به همه مردم آزادیخواه و برابری طلب سنندج، مریوان، کامیاران، سقز، سردشت، ریط، نلاس، میرآباد از توابع سردشت و همچنین مهاباد و پیرانشهر درود می فرستیم و

حضور یکپارچه در کلاسهای درس و با جلب پشتیبانی معلمان شریف و دلسوز و همچنین اعتراض گسترده اهالی این ۱۲ روستا کاری کرد که سرویس رفت و برگشت و دیگر تسهیلات رفاهی دانش آموزان هنرستان کار و دانش گشکی تامین شود. این کار ممکن و عملی است. کمیته کردستان حزب همه مردم منطقه را به پشتیبانی از خواست و مطالبات دانش آموزان هنرستان کار و دانش گشکی فرا می خواند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ فروردین ۸۸
۱۷ آوریل ۲۰۰۹

برگزاری جشن و شادی این روز را تبریک می گوئیم. این روحیه و این تلاش برای ایجاد فضای شاد و نشاط را بایستی تقویت کرد. اول مه در راه است و باید با این پتانسیل و با حضور گسترده و یکپارچه، خود را برای برگزاری هرچه باشکوهتر اول مه روز جهانی کارگر آماده کنیم.

۱۳ فروردین ۱۳۸۸
۱۷ آوریل ۲۰۰۹

باز تکثیر از کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

خودکشی یک پدر در بوکان

یک شهروند بوکانی بنام علی شبرین پور که دارای همسر و دو فرزند بود، روز ۱۳ فروردین بدلیل فقر مالی در حیاط خانه اش از طریق حلق آویز نمودن خود اقدام به خودکشی کرد. طبق اخبار منتشره توسط خبرگزاریها اخیراً آمار خودکشیها بدلیل فقر مالی در ایران و کردستان افزایش چشمگیری یافته است

مردم کردستان در همه کشورهای مورد بحث باید راه خود را از این احزاب سیاسی مسلح و یا غیر مسلح جدا کنند. این احزاب با یا بدون اسلحه به دنبال شریک شدن در قدرت هستند جنگ و صلح آنها ربطی به منافع مردم ندارد. همچنانکه احزاب حاکم در کردستان عراق در قدرت و احزاب اپوزیسیون هر دو این حقیقت را به همگان نشان داده اند که جنبش ناسیونالیستی و احزاب آنها ربطی به حل مسئله کرد، رفع ستم ملی و رفاه شهروندان ندارند. و ناتوان از برآورد کردن چنین اهدافی هستند. آزادی، رفاه، حل مسئله کرد و رفع ستم ملی وظیفه ای است که بر دوش کمونیستها قرار گرفته است.

رهبری احزاب ناسیونالیست کرد نخواهند رفت.

همه این فاکتورها دال بر این است که احزاب اپوزیسیون مستقر در عراق و کردستان عراق قربانی منافع مشترک دولت عراق و احزاب حاکم در کردستان عراق با جمهوری اسلامی و دولت ترکیه و سوریه خواهند شد. همچنانکه گفتم تنها فاکتوری که بتواند این معادله را از پایه متحول کند چشم انداز تحولاتی است که ممکن است در ایران به وقوع بپیوندد.

اما سرعت این معاملات و نیاز احزاب حاکم در کردستان عراق و طرفین معامله بر سر خلع سلاح احزاب اپوزیسیون و تحت فشار قرار دادن آنها ظاهراً سریعتر پیش میرود. آنچه مهم و قابل تاکید است

بغداد تمکین کنند. راه دیگری ندارند. زیرا مناسبات آنها با مردم دچار تحولات عمیقی شده است. مردم کردستان عراق اگر اوایل دهه ۹۰ میلادی به این احزاب متوهم بودند اما به مرور به آنها بی اعتماد شده و امید به بهتر شدن زندگی خود تحت حاکمیت آنها ندارند. این احزاب متوجه هستند که نمیتوانند يك بار دیگر در مقابل رقبایشان به جنگ مسلحانه پناه ببرند. به دو دلیل این امکان پذیر نیست. یکی اینکه منافع مادی و حی و حاضر دارند و همه افراد شاخص آنها میلیونر شده اند و منافعشان با همزیستی با رقبایشان تامین میشود. دوم اینکه مردم کردستان يك بار دیگر به دنبال توهم حل مسئله کرد و زندگی بهتر به

طرح خلع سلاح ...

از صفحه ۴

احزاب حاکم در کردستان عراق لاعلاج است و این موقعیت اساساً از بی افقی ناسیونالیسم کرد سرچشمه میگردد.

ناسیونالیسم کرد تاریخاً در شکاف میان دولتها به دنبال راه حلی برای شریک شدن خود در قدرت بوده است. در نتیجه همین شکافها احزاب حاکم در کردستان عراق به نان و نوایی رسیدند. اما با محکم شدن جای پای احزاب رقیب در بغداد و تحولاتی که در نتیجه سیاستهای آمریکا بوجود آمده است ناسیونالیسم کرد و احزابش متوجه شده اند باید به خواست دولتهای منطقه و رقبایشان در

به یاد کمون پاریس از صفحه ۸

انفعالات اداری نظارت مستقیم داشتند و طبق برنامه کمون میتوانستند آنها را عزل و نصب کنند، از آنجائیکه کارها سریع و در کمال دلسوزی انجام میگرفت و حل مشکلات افراد و جامعه، احترام و آرامش آنها در درجه اول اهمیت قرار داشت همکاری و دخالت توده مردم پاریس هر روز با سیستم جدید گسترده تر میگردد.

پاریس هیچگاه به اندازه آن روزها سرزنده و پرشور نبود. میادین، کافه ها و تاترها از جمعیت پر بودند. در شهر اثری از پلیس و دژبان دیده نمیشد. اکنون "تفنگدار" فقط گارد ملی بود که دیگر کارگران از آنها واهمه ای نداشتند.

کمون اقدامات بسیار ارزنده و مهمی را بمورد اجرا گذاشت که می توان بطور خلاصه چنین بیان کرد:

- ۱- کلیه اموال و ثروت کلیسا را مصادره کرد و مدارس را از تسلط کلیسا بدر آوردند.
- ۲- دادگستری و آموزش و پرورش را از مذهب جدا کرده و قضاات انتخابی شدند
- ۳- کارگاههای بزرگ را به تعاونیهای کارگری سپردند
- ۴- گیوتین و وسائل شکنجه را بلافاصله به آتش کشیدند
- ۵- کلیه بدیهی های کارگران به بانک و از جمله بدیهی اجاره خانه ها را بخشیدند
- ۶- وسائل کارگرانی را که نزد بانک رهنی بود به کارگران باز گرداندند
- ۷- ارتش را منحل کرده و تسلیح همگانی بقرار کردند
- ۸- کمون اعلام کرد که درفش کمون، درفشی جهانی

است
۹- کمون پاریس، زمین را از آن دهقانان، ابزار را از آن کارگران و کار را حق طبیعی همگان اعلام کرد.

۱۰- اداره کاریابی را از کنترل پلیس در آورده و به شهرداریهای ۳۰ شعبه در نقاط مختلف پاریس سپرد.

۱۱- کموناردها برج "وان دم" مظهر برتری ملت فرانسه را واژگون کردند (این برج از طریق ذوب تویهای بغنیمت گرفته شده در جنگهای استعماری ناپلئون ساخته شده بود)

۱۲- کمون کار شبانه نانوایشها را ممنوع اعلام کرد
۱۳-.....

ولی، همه این اقدامها در شهری که در محاصره دشمن قرار داشت، البته نمی توانست فورا به تحقق بپیوندد. ضمن آن که از نخستین روزهای ماه مه به بعد ضرورت پیکار با سپاهیان روزافزون حکومت مستقر در ورسای نیز همه توان کارگران و مدافعان کمون را به خود مشغول می داشت.

در عین حال کمون مرتکب اشتباهات فاحشی گردید که سبب شد ورسائیان فرصت بدست آورند و خود را برای مقابله با کمون تجهیز نمایند. با اینکه در ۲۹ مارس کمون خطابه ای به مردم پاریس صادر کرد و در مقابل دسیسه چینبهای دولت ورسای به آنها هشدار داد اما کلا پاریس بر این عقیده بود که دست زدن به عملیات خصمانه از ناحیه دولت تی ریر امکان پذیر نیست زیرا که به عقیده آنها شرکت بیش از ۲۲۰ هزار نفر در انتخابات کمون به انقلاب ۱۸ مارس جنبه قانونی بخشیده و هر گونه عذر و بهانه جنگ خانگی را از

تلف کرده اند." در نامه معروف مارکس به گوگلمان در تاریخ ۱۲ آپریل ۱۸۷۱ آمده: "تاریخ هنوز از این بزرگتر عرضه نکرده است. اگر آنها از پا در آیند علت فقط اخلاق خودشان است که "بچه های خوبی" هستند. میبایست بعد از آنکه ابتدا ژنرال وینوا و سپس عناصر ارتجاعی گارد ملی پاریسی میدان را خالی کردند بلافاصله به ورسای حمله ور شوند."

کمیته مرکزی درنخستین اعلامیه های خویش بارها تاکید کرده بود که همیشه به اختیارات خود به چشم موقت نگریسته و هر وقت کمون بخواهد آن اختیارات خود را منتقل خواهد کرد. آنها که مظهر و نماینده انقلاب و صدها هزار نفر از کارگران پاریس بودند، فرصتهای گرانبهائی را از دست دادند و ضد انقلاب ساکن در ورسای را بحال خود گذاشتند. در حالیکه ورسائیان برای تبلیغات و جمع آوری نیرواز پولهای بانک مرکزی در پاریس استفاده میکردند، کموناردها بانک را در اختیار خود نگرفتند.

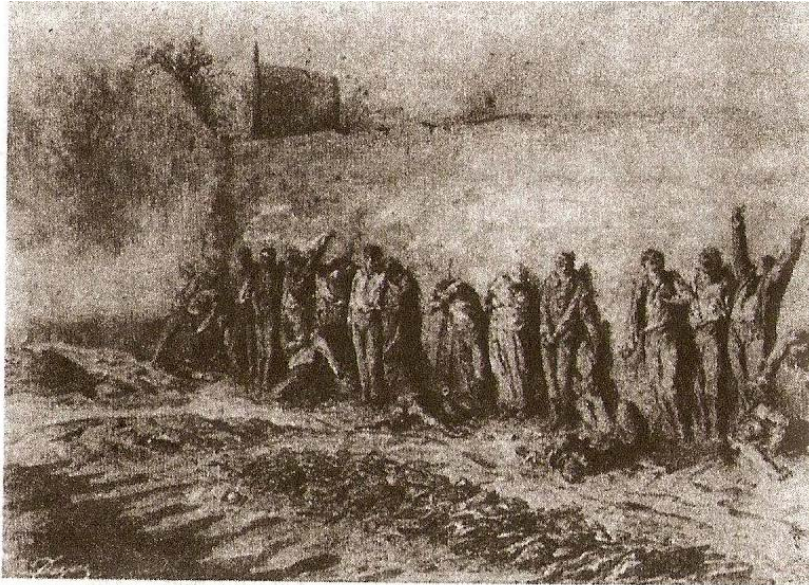
انقلاب ۲۸ مارس و اقدامات کمون، زمینداران، سرمایه داران و کلیه نیروهای مرتجع منطقه را متوجه خطر بزرگی که از طرف کارگران آنها را تهدید میکرد نمود. روزنامه ها و ارگانهای وابسته به طبقات حاکم، با تنفر و خشم از کموناردها یاد میکردند و آنها را "عده ای از ولگردان رذل بی پدر و مادر که زمام امور را بدست گرفته اند" و یا کمیته مرکزی گارد ملی را "افزادی مشکوک، ناشناخته و جنایتکاران فراری از زندان" نام میبردند و اقدامات کمون را با نثار فحشهای رکیک رد میکردند. پروس دهها هزار

سرباز اسیر فرانسوی را بمنظور کمک به تی ریر از زندان آزاد کرد. تی ریراسیران کمون را بدون محاکمه تیرباران می نمود. کمون ناچار شد برای حمایت از جان اسیران خود و در مقابل عمل غیر انسانی کشتن کموناردهای اسیر، از هواداران ورسای گروگان بگیرد.

در هفته آخر ماه تی ریر به پاریس لشکرکشی کرد و مقاومت سختی از طرف زنان و مردان پاریس مواجه شد. جنگ ۸ روز در جریان بود که در آن تی ریر هزاران نفر را به خاک و خون کشید. روز بعد از تسلط تی ریر بر پاریس، حدود پنج هزار نفر از اسیران را قتل عام کردند. همان موقع مارکس نوشت "تاریخ چنان قاتلین کمون پاریس را به چهار میخ کشیده که دعای کشیش هایش هرگز قادر به نجات آن نخواهد بود."

خاطره مبارزین کمون، جسارت و فداکاریهای آنها در دل کارگران، محرومین جامعه و آزادیخواهان برای همیشه زنده خواهد ماند. زیرا که آنها برای رهایی بشریت مبارزه کردند و هدف آنها تاسیس دولتی کاملاً جدید بود که رفاه و آسایش شهروندان از مقدسات آن بود.

زنده باد کمون پاریس
توضیح: منبع بخشی از فاکتهای این مقاله از مقدمه انگلس بر "جنگ داخلی در فرانسه" و "کمون پاریس ۱۸۷۱" که زیر نظر ا.ژویوفسکیا و (آ. مانفرد-آ.مولوک) تنظیم گردیده، می باشد.



تابلوی دیوار هم‌پیمانان (موزه لوور)

به یاد کمون پاریس از صفحه ۵

(Vendome) (در پاریس) را، که مظهر میهن پرستی افراطی و عامل تفرقه انداز بین اقوام بود و پس از پیروزی در جنگ ۱۸۰۹، با ذوب کردن توپهای به غنیمت گرفته شده ریخته گری شده بود براندازند. و این کار در ۱۶ مه همان سال انجام گرفت.

در ۵ ماه مه، کفاره گاهی که بعنوان طلب مغفرت از گناه اعدام لوئی پانزدهم توسط هواداران او برپا شده بود به دستور کمون خراب گردید.

اقدامات کمون سبب ابراز خشم شدیدی از جانب ورسای و کلیه مطبوعات بورژوازی گردید. خشم و نفرت آنها ناشی از این واقعیت بود که کلیسا پس از سلطه سرمایه داری در فرانسه تبدیل به ابزار انقیاد روحی و فکری مردم شده بود زیرا که سلطه بورژوازی را تغییر ناپذیر و ابدی جلوه میداد.

در اواخر ماه مارس کمون، پروتو را به وزارت دادگستری

برگزید تا به پرونده ها رسیدگی کند و آزادی فردی شهروندان را تامین نماید. در روزهای نخستین ماه آوریل حدود ۱۵۰ نفر از زندانیان آزاد شدند. همچنین کمیسیون اجرائی کمون تصمیم گرفت که کلیه پرونده های زندانیان باید فوراً مورد رسیدگی قرار گیرند و آنها یا باید بلافاصله آزاد شوند و یا به پای میز محاکمه بیایند. در آن قرار تاکید شده بود که:

کمیسیون باید به فوریت هر چه تمامتر به حل و فصل مساله ای بپردازد که تا این حد با یکی از مهمترین اصل جمهوری یعنی با آزادی مرتبط است. " و بر طبق تصمیم کمون دادگستری می بایست " جریان عدالت را تامین کند."

انتخاب دادرسان بویژه هنگام انتخابات کمون یکی از مهمترین خواسته های مردم بود. طبق تصمیمات کمون قضات انتخابی بودند و متهمین حق داشتند حضور شهودی را که برای دفاع از خود ضروری میدانستند بخرج کمون درخواست کنند. متهم حق

داشت شخصا وکیل برای دفاع از خود انتخاب کند. جلسات دادگاه عمومی بود و جرایم گزارش جریان آن را منتشر میکردند. رئیس دادگاه تنها برای یکبار انتخاب میشد. هیئت ژوری یا قضاوت توسط هیات منصفه که توسط ناپلئون اول منحل شده بود دوباره در دادگاههای کمون برقرار گردید. هرچند کمون و کمیسیون

دادگستری وابسته به آن مجال آنرا نیافتند تا تصمیمات خود را در این باره به موقع اجرا بگذارند و موسسات قضائی مورد نظر خود را خلق کنند، با این وصف فقط کمون بود که توانست شکافی در دستگاه قضائی بورژوازی آن دوران پدید آورد. پس از فرار تی یر به ورسای حتی یک نفر کارمند نه در تالار شهرداری مانده بود و نه در

بخشهای مختلف اداری. اکثر مسئولین جدید کمون برای پی بردن به کارهای اولیه اداری به دربانها و یا نظافت چی ها متوسل میشدند. با این حال کارکنان جدید بسیار سریع کارها را در دست گرفتند و حتی کارهای انباشته شده چندین ماهه دولت سابق را انجام دادند. از آنجائیکه شهروندان بر فعل و

صفحه ۷

ایسکرا ، برنامه ای بزبان کردی در کانال جدید

برنامه ایسکرا روزهای یکشنبه
و سه شنبه و پنجشنبه
ساعت ۴ و نیم بعدازظهر
بوقت تهران پخش میشود
تهیه کننده برنامه: یدی محمودی

یک دنیای بهتر
برنامه حزب را بخوانید و در سطح وسیع
توزیع کنید



مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!